

بر مبنای دیدگاه‌های نظری تلفیقی، هویت‌یابی فرایندی دیالکتیکی و دوسویه است و در کنار عوامل سطح کلان، قابلیت بازانديشي هویتی به میزان برخورداري از سرمایه‌ها و منابع مادی و فرهنگی وابسته است. پژوهش حاضر در چارچوب دیدگاه‌های نظری تلفیقی به بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر ابعاد هویت جمعی دانشجویان دانشگاه کردستان پرداخته است. این تحقیق از نوع پیمایشی است که در طی آن با ۳۲۵ نفر از دانشجویان دانشگاه کردستان مصاحبه شده است. یافته‌های توصیفی بیانگر آن است که دانشجویان به‌طور همزمان از هویت‌های سه‌گانه قومی، ملی و جهان‌وطنی برخوردار هستند و تعلق به هر یک از ابعاد هویت جمعی به‌منزله نفی و نقض دیگری نیست. نتایج تبیینی نشان داد که سرمایه فرهنگی ضمن داشتن رابطه معنادار با ابعاد هویت جمعی دانشجویان، تأثیر متفاوتی بر ابعاد هویتی دارد؛ به بیان دیگر، سرمایه فرهنگی با هویت ملی و جهان‌وطنی همبستگی مثبت و با هویت قومی همبستگی منفی دارد. بر مبنای نتایج تحلیل رگرسیون، متغیر سرمایه فرهنگی به‌ترتیب ۰/۳۲۴، ۰/۲۳ و ۰/۱۴۴ تغییرات هویت‌های جهان‌وطنی، قومی و ملی را تبیین می‌نماید. با نظر به سهم بالای سرمایه فرهنگی در جهت‌گیری‌های معرفتی و بازانديشي هویتی دانشجویان، بهینه‌سازی فعالیت‌های فرهنگی و فوق برنامه در دانشگاه به‌عنوان برنامه درسی پنهان، ترغیب دانشجویان به فعالیت‌های فرهنگی، برگزاری دوره‌های مختلف و اعطای گواهینامه به دانشجویان، افزایش دسترسی دانشجویان به کالاها و منابع فرهنگی مرتبط و بازانديشي در شیوه بومی‌گزینی دانشجو در سیاست‌گذاری دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ضروری به‌نظر می‌رسد.

■ واژگان کلیدی:

سرمایه فرهنگی، بازانديشي هویتی، هویت ملی، هویت قومی، هویت جهان‌وطنی.

سرمایه فرهنگی و هویت جمعی

مطالعه پیمایشی دانشجویان دانشگاه کردستان

فردین محمدی

دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد
Fardin.mohammadi1@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

هویت جمعی، نشانگر سطوح تعلقات، تعهدات و وفاداری‌های جمعی افراد است که نه تنها شالوده اصلی ساختار اجتماعی هر جامعه را شکل می‌بخشد، بلکه خود در بطن نظام فرهنگی و اجتماعی تکوین می‌یابد، مجموعه‌ای از الگوهای فرهنگی را برای افراد عرضه می‌کند، انسجام و پیوستگی را در زندگی اجتماعی امکان‌پذیر می‌سازد، تجارب افراد را تفسیر نموده و ترجیحات و جانبداری‌های آن را مشخص می‌کند. (هربوکن^۱، ۲۰۰۴: ۱۰۹)

از مختصات دنیای معاصر، چندبعدی و چندوجهی بودن هویت جمعی است. در دنیای معاصر، از یک‌سو، به دلیل افزایش منابع در دسترس (نظیر اشکال سرمایه فرهنگی و اجتماعی)، منابع هویت‌ساز ماهیتی چندگانه و متنوع به خود گرفته و با تعدد گروه‌بندی‌ها، اجتماعات و «ما»های مختلف و متکثر شدن زمینه‌های عمل و تنوع مراجع روبرو هستیم؛ به گونه‌ای که افراد به طور فزاینده‌ای در پذیرش مجموعه متنوع و متفاوتی از گروه‌بندی‌ها و وفاداری‌ها از حق انتخاب برخوردار گشته‌اند (گیدنز^۲، ۱۳۷۷: ۸۰)، از سوی دیگر، در سایه روابط متقابل و عضویت‌های مشترک و ادخال گروه‌ها در یکدیگر و مشارکت و حضور فعالانه اجتماعات مختلف در جامعه مدنی، تکوین اصول و قواعد غیرشخصی مبتنی بر شهروندی فراگیر و تساهل فرهنگی، زمینه برای بازاندیشی هویتی و عمده‌شدن هویت‌های جمعی عام نسبت به سایر هویت‌های جمعی محلی و خاص‌گرا میسر شده است. (کیویستو^۳، ۲۰۰۲: ۲۰) در سایه دگرگونی‌های به وجود آمده، استنباط مدرن از هویت جمعی - که عمدتاً در چارچوب دولت - ملت و در درون مرزهای ملی محصور بود - با چالش مواجه گردیده و گرایش به تکثر در حال افزایش و تعمیق شدن است؛ فرایندی ثبات‌شکن، اما در عین حال زاینده و تکوینی که عبارت است از برساختن و دفاع از گستره‌ای پر دامنه از هویت‌ها، معانی و اجتماعات نوین‌یاد در تقابل با چارچوب‌های اجتماعی مدرن. (دان^۴، ۱۳۸۵: ۳۰-۲۴)

بنابر آنچه گفته شد، در دوران معاصر مناسبات اجتماعی در سطوح درون جامعه‌ای، جامعه‌ای و فراجامعه‌ای خصلتی متکثر، چندبعدی، پویا، پیچیده و سیال یافته و به تبع آن هویت‌های جمعی هم پیچیده، سیال، متنوع و چندگانه شده‌اند. به تعبیر یان کرایب^۵

1. Herboken
2. Giddens
3. Kivisto
4. Dan
5. Ian Craib

۱۹۹۸: ۵) در دوران کنونی هویت‌ها در تقابل با هم تعریف نمی‌شوند و برای ما هم زمان امکان برخورداری از یک خود یکپارچه و خودهای متکثر وجود دارد؛ از این‌رو، موضوع هویت، صرفاً موضوع برخورداری از این یا آن هویت نیست.

با نظر به اهمیت دانشگاه به‌مثابه یکی از عناصر و نهادهای مُدرن در ارتقای سطح دانش تخصصی و عمومی، مدارای اجتماعی، نوع‌دوستی، عام‌گرایی و تقویت حوزه عمومی (دلانتی^۱، ۲۰۰۲: ۷)، بررسی و ارزیابی نقش محیط دانشگاه در بازاندیشی هویتی بسیار اثرگذار است. دانشگاه به‌عنوان نهادی آموزشی و فرهنگی نقش مهمی در تولید و ارتقای سرمایه فرهنگی و بازاندیشی انگاره‌های هویتی دارد. با ورود دانشجویان به دانشگاه و در طی دوره تحصیل و مشارکت در کانون‌ها و تشکل‌ها و انجام فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و در تعامل با سایر دانشجویان به تعاریفی از هویت خویش و دیگران دست یافته و به واکاوی هویت‌های جمعی خود می‌پردازند. «قشر دانشجو به‌دلیل اقتضای سنی، تحصیل در دانشگاه و حضور در اماکن فرهنگی، بیش از هر قشر دیگری تحت تأثیر امواج مدرنیته و جهانی‌شدن قرار دارد». (عبداللهی و مروت، ۱۳۸۴ و نوابخش و مقتدرزاده ملکی، ۱۳۹۱) دانشجویان در مقایسه با گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه، از فرصت‌ها و امکانات سخت‌افزاری (دسترسی به رایانه و اینترنت پرسرعت) و نرم‌افزاری (گذراندن واحدهای درسی و دوره‌های تخصصی مرتبط با رایانه و اینترنت، نظیر مهارت‌های هفت‌گانه فناوری اطلاعات ICDL، داشتن مهارت‌های زبانی و سواد رسانه‌ای) به‌مثابه ابعاد سرمایه فرهنگی برخوردارند و هویت جمعی این قشر بیش از هر قشر دیگری در شرایط امروزی ایران دستخوش تغییر و بازاندیشی قرار گرفته است. بدیهی است که بافت چندفرهنگی و متنوع جامعه ایران در مراکز دانشگاهی، به‌خوبی تجلی یافته است. در چنین فضایی با دانشجویانی مواجهیم که علاوه بر اشتراکات فرهنگی، هر یک از ویژگی‌های زبانی، محلی و فرهنگی خاص خود برخوردارند و در وهله اول، در اجتماعات محلی، قومی و خرده‌فرهنگ‌های مختلف، جامعه‌پذیر می‌شوند و با ورود به دانشگاه و امکان ارتقای سرمایه فرهنگی به‌دلیل مصرف کالاهای فرهنگی و استفاده از رسانه‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، در فرایند جامعه‌پذیری ثانویه قرار می‌گیرند و به‌تبع آن نشانگان هویتی مورد جرح و تعدیل قرار می‌گیرد. (قادرزاده و احمدپور، ۱۳۹۰: ۳۷) بنابراین، امروزه دانشجویان در مرکز فرایند تمایز و تشابه هویتی قرار دارند؛ جوان بودن دانشجویان به اضافه چندگانه‌شدن

زیست‌جهان‌های آنها و تأثیرات رسانه‌ای مدرنیته، ترکیب‌های خاص هویتی دانشجویان را پدید آورده است. در چنین شرایطی، عناصر مختلفی از گفتمان‌های مختلف سنت (مانند مذهب) و مدرنیته در هویت آنها دیده می‌شود که موجب تفاوت هویتی قابل توجه بدنه دانشجویی با بدنه اصلی جامعه می‌شود. شرایط به‌وجود آمده، اهمیت و نقش هویت دانشجویان را برای برنامه‌ریزان اجتماعی و فرهنگی نمایان ساخته است. با مطالعه و شناخت دقیق چگونگی و چرایی هویت جمعی در نزد دانشجویان می‌توان از این مفهوم در تبیین و تحلیل مسائل فرهنگی و اجتماعی نظیر خاص‌گرایی‌های فرهنگی و اجتماعی، مشارکت اجتماعی، از خودبیگانگی اجتماعی و فرهنگی، همبستگی و انسجام اجتماعی سود جست. (قادرزاده، ۱۳۹۰: ۳۸) شاید استنباط این باشد که شناخت ویژگی‌ها، نیازها و خواسته‌ها، منابع معرفتی و ابعاد هویتی آنها به برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران آموزش عالی کمک می‌کند تا برنامه‌ریزی‌ها، استراتژی‌ها و خط‌مشی‌هایی که برای این قشر طراحی می‌شود، آگاهانه و معطوف به نتیجه مثبت باشد، زیرا بدون شناخت ابعاد هویتی دانشجویان، بسیاری از برنامه‌ریزی‌های آموزشی، فرهنگی و تبلیغی نه تنها نتیجه مثبت نخواهد داشت، بلکه عاملی برای موضع‌گیری و مقابله خواهد بود. (صدیق‌سروستانی و قادری، ۱۳۸۸: ۳۸-۳۷) از سوی دیگر، آسیب‌های ناشی از دگرگونی نظام فرهنگی و تغییر الگوهای سنتی، پرسش‌های بسیاری را برای اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی درباره موضوع هویت جمعی به‌ویژه عوامل مؤثر بر آن مطرح نموده است. (کارکنان و نیازی، ۱۳۸۶: ۵۶)

در جامعه ایران با عمده شدن سهم و جایگاه دانشگاه به‌مثابه یکی از عوامل اصلی جامعه‌پذیری ثانویه و ارتقای سرمایه فرهنگی جوانان، دیگر نمی‌توان هویت جمعی افراد به‌ویژه دانشجویان را تنها به میانجی مفاهیم ساختاری و کلان تبیین کرد، بلکه برای بررسی و ارائه الگویی از مؤلفه‌های هویت جمعی جوانان لازم است از مفاهیمی همچون سرمایه فرهنگی مدد گرفت، زیرا تغییرات به‌وجود آمده در عرصه فرهنگی در چند دهه اخیر، سبب گسترش آموزش‌های تخصصی در زمینه‌های مختلف و ورود حجم زیاد کالاهای فرهنگی از قبیل کتاب، فیلم، موسیقی و مطبوعات در تیراژها و عناوین مختلف در بازارهای مصرفی شده است که مخاطبان اصلی این کالاهای فرهنگی، دانشجویان می‌باشند. به همین دلیل امروزه عناصر فرهنگی به‌ویژه سرمایه فرهنگی به افشار مختلف جامعه از جمله جوانان و دانشجویان هویت می‌بخشند. (ابراهیمی و بهنویی، ۱۳۸۹: ۱۲)

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که آن دسته از دانشجویانی که تجربه جامعه‌پذیری در یک اجتماع قومی را دارند، با ورود به دانشگاه و تجربه جامعه‌پذیری ثانویه و امکان ارتقای بهره‌مندی از سرمایه فرهنگی، چه تغییری در نشانگان و ابعاد هویت جمعی آنان حادث می‌شود؟ تا چه اندازه به میانجی سرمایه فرهنگی، هویت جمعی دانشجویان در ابعاد قومی، ملی و جهان‌وطنی قابل تبیین است؟

مرور منابع تجربی

در سال‌های اخیر در زمینه ابعاد هویت جمعی و عوامل مؤثر بر آن به‌ویژه سرمایه فرهنگی پژوهش‌هایی صورت گرفته است. این پژوهش‌ها را می‌توان به دو دسته «وضعیت ابعاد هویت جمعی در بین جوانان» و «رابطه سرمایه فرهنگی و ابعاد هویت جمعی» تقسیم نمود. «وضعیت ابعاد هویت جمعی»: این دسته از تحقیقات با استفاده از روش‌های پیمایشی یا تحلیل داده‌های ثانویه، وضعیت هویت قومی، ملی و جهانی را در بین شهروندان ایرانی به‌ویژه جوانان و دانشجویان مورد بررسی قرار داده‌اند. در این راستا می‌توان به تحقیقات ذیل اشاره کرد: عبداللهی (۱۳۷۷) در پژوهشی با توسل به داده‌های ثانویه و روش پیمایشی، به بررسی وضعیت هویت جمعی و تحول آن در جامعه ایران پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان داد که هویت جمعی در ایران، به‌ویژه از جنبه تکاملی آن از سطوح پایین‌تر به سطوح بالاتر دچار ضعف جدی است. این بدین معناست که هویت جمعی عام در ایران جا نیفتاده است؛ به‌طوری که در جوامع روستایی و عشایری کوچک و خاص‌گرایانه و در جامعه شهری، از محلی به جهانی گرایش دارد و هویت ملی به نفع هویت‌های محلی و فراملی تضعیف گردیده است. عبداللهی و مروت (۱۳۸۴) نیز در تحقیقی پیمایشی پیرامون هویت جمعی غالب در بین دانشجویان دانشگاه‌های سنجندج، به این نتیجه رسیدند که هویت جمعی غالب دانشجویان هویت قومی بوده است و هویت‌های جهان‌وطنی و ملی در مراحل بعدی قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیق پیمایشی نوابخش و مقتدرزاده ملکی (۱۳۹۱) در بین جوانان استان آذربایجان شرقی نیز بیانگر آن بود که هویت غالب در نزد جوانان هویت قومی است و هویت‌های ملی و جهانی به‌ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار دارند. در نهایت نتایج تحقیق پیمایشی ربانی و رستگار (۱۳۹۲) نیز بیانگر آن بود که میانگین هویت ملی پاسخگویان در حد متوسط می‌باشد و تعلق افراد به ابعاد فرهنگی، زبانی و سرزمینی هویت ملی از ابعاد سیاسی، اجتماعی و دینی قوی‌تر است.

«رابطه سرمایه فرهنگی و ابعاد هویت جمعی»: این دسته از تحقیقات با استفاده از روش پیمایش، رابطه سرمایه فرهنگی و ابعاد هویت جمعی را در بین شهروندان ایرانی به‌ویژه جوانان و دانشجویان مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این راستا می‌توان به این تحقیقات اشاره کرد: شارع‌پور و خوش‌فر (۱۳۸۱) در پژوهشی رابطه ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی را با نحوه تعریف افراد از خویش‌نمون بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش مؤید همبستگی مثبت سرمایه فرهنگی با انواع چهارگانه هویت بود. نتایج تحقیق پیمایشی کارکنان و نیازی (۱۳۸۶)، نیز بیانگر رابطه مثبت و معنادار سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی دانشجویان دانشگاه کاشان بود. حسین‌زاده (۱۳۸۸) نیز در پژوهشی با استفاده از روش پیمایشی رابطه ابعاد سه‌گانه سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز را مورد مطالعه قرار داد. نتایج این پژوهش نشان داد که بین سرمایه فرهنگی و ابعاد هویت جمعی، همبستگی مثبت وجود دارد. به‌طوری‌که بیشترین همبستگی سرمایه فرهنگی با هویت ملی، قومی، دینی و فردی و کمترین همبستگی آن با هویت جهانی است. در پژوهش پیمایشی دیگر، ابراهیمی و بهنوئی (۱۳۸۹)، رابطه بین سرمایه فرهنگی جوانان و هویت اجتماعی فردی و جمعی آنان را مورد بررسی قرار دادند. بر مبنای نتایج، بیشترین همبستگی سرمایه فرهنگی با مؤلفه‌های هویت شخصی و گروهی و کمترین همبستگی آن با مؤلفه‌های هویت ملی، خانوادگی و مذهبی بود. در نهایت نتایج تحقیق نساج و همکاران (۱۳۹۴) نیز بیانگر آن بود که افرادی که دارای ارزش‌های فرهنگی با میزان فاصله قدرت زیاد هستند، نسبت به کسانی که ویژگی‌های فرهنگی با میزان فاصله قدرت کم دارند، از میزان هویت ملی بیشتری برخوردارند.

مرور پیشینه تجربی از یک‌سو، بیانگر تضعیف هویت ملی نسبت به هویت قومی و جهانی است، از سوی دیگر، بیانگر وجود رابطه مثبت سرمایه فرهنگی با ابعاد هویت جمعی است. نکته حائز اهمیت در مرور پیشینه تجربی آن است که در این تحقیقات بیشتر به رابطه سرمایه فرهنگی و ابعاد دینی، خانوادگی و ملی هویت جمعی اشاره شده است و ابعاد هویت قومی و جهان‌وطنی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این تحقیق سعی بر آن است تا در چارچوب رویکردهای نظری تلفیقی به مفهوم‌سازی و بررسی تجربی رابطه سرمایه فرهنگی با ابعاد سه‌گانه هویت جمعی (قومی، ملی و جهان‌وطنی) بپردازد.

مرور دیدگاه‌های نظری

تئوری‌های جامعه‌شناسی براساس نوع مُبیین یا اصلی‌ترین مُبیین مورد توجه در تحلیل هویت جمعی در ذیل سه دیدگاه قابل دسته‌بندی است:

- نخست، دیدگاه‌ها یا تئوری‌هایی که مُبیین مورد توجه آنها در تحلیل هویت جمعی ساختارها در سطح کلان بوده و بر شرایط و عوامل تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرایندهای عمده‌ای چون جهانی‌شدن تأکید می‌نمایند. جورج ریتزر، این تئوری‌ها را در ذیل انگاره «واقعیت اجتماعی» طبقه‌بندی نموده است. (ریتزر، ۱۳۸۴: ۶۳۵)

- دوم، دیدگاه‌ها یا تئوری‌هایی که مُبیین مورد توجه آنها در تحلیل هویت جمعی، عوامل ذهنی و نمادین بوده و بر ارزش‌ها، باورها، معانی ذهنی، پنداشت‌ها و گرایش‌های افراد در برساختن هویت جمعی تأکید نموده‌اند. در ادبیات مربوط به هویت جمعی، این تئوری‌ها تحت عنوان سازه‌گرایی اجتماعی^۱ تعریف و طبقه‌بندی می‌شوند. (سرولو^۲، ۱۹۹۷: ۳۸۶-۳۸۴) در چارچوب رویکرد سازه‌گرایی اجتماعی، هویت به‌عنوان یک «برساخته اجتماعی»^۳ تلقی می‌شود. (بورکیت^۴، ۱۹۹۱: ۱۹۰) در چارچوب این رویکرد، هویت جمعی یک دستاورد تعاملی تلقی می‌گردد که پیوسته از طریق تبادل زبانی و عمل اجتماعی مورد مذاکره قرار می‌گیرد. در چارچوب این رویکرد، شیوه‌هایی مورد توجه قرار می‌گیرد که براساس آن عوامل و حاملان جامعه‌پذیری، داده‌ها و دانسته‌های شناختی، عاطفی و رفتاری افراد را ترسیم و سازمان می‌بخشند؛ دانسته‌هایی که افراد برای شکل‌دهی یک «خود اجتماعی» به کار می‌گیرند.

- سوم، تئوری‌ها یا رویکردهایی که مُبیین مورد توجه آنها در تحلیل هویت جمعی، ترکیبی از عوامل خُرد، میانه و کلان می‌باشد. این تئوری‌ها در ادبیات جامعه‌شناسی معاصر به «رویکردهای تلفیقی»^۵ معروف است. (عبداللهی، ۱۳۷۷) براساس رویکردهای تلفیقی، میان ابعاد ذهنی و عینی یا سطوح خُرد و کلان واقعیات اجتماعی تعامل و درهم‌تنیدگی وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که هیچ‌یک جدای از دیگری نیست. در ذیل رویکرد مزبور، صاحب‌نظرانی نظیر، گیدنز، بوردیو و جنکینز جای می‌گیرند که با لحاظ نمودن ترکیبی از عوامل سطوح خُرد، میانه و کلان، توصیف و تبیین هویت‌های فردی و جمعی

1. Social Constructivism
2. Cerulo
3. Social Construct
4. Burkitt
5. Integrative Approaches

را مورد توجه قرار داده‌اند. رویکردهایی که در برساخت هویت جمعی بر نقش سرمایه فرهنگی به‌مثابه یک متغیر میانی تأکید می‌ورزند در ذیل رویکردهای تلفیقی قابل دسته‌بندی است.

در ذیل به نظریه‌هایی که نقش سرمایه فرهنگی بر هویت جمعی را مورد توجه قرار داده‌اند به‌اختصار اشاره می‌شود. کاستلز ضمن دسته‌بندی انواع هویت در جوامع مدرن به عوامل مؤثر بر این هویت‌ها نیز اشاره می‌کند. وی در این‌راستا معتقد است که جهان وارد عصر جدیدی با عنوان عصر اطلاعات شده است و در اثر این تحول جامعه جدیدی با عنوان جامعه شبکه‌ای شکل یافته است. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۲-۴۱) در این جامعه به‌دلیل پیشرفت تکنولوژی و توسعه ابزارهای الکترونیکی، اطلاعات به‌سرعت انتقال می‌یابند و این امر موجب شده که همه جهان جدید به‌صورت یک شبکه در بیاید. (کاستلز، ۱۳۸۱: ۴۴۰ و ۱۳۸۰: ۴۶۲) در جامعه شبکه‌ای افراد از طریق فضای جریان‌ها (جریان اطلاعات و مبادلات از طریق شبکه‌های میکروالکترونیک که فضای خاص خود را به‌وجود می‌آورند) به هم گره می‌خورند و به کنش متقابل می‌پردازند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۷۷) و همواره در حال استفاده از ابزارهای الکترونیکی مانند تلویزیون، کامپیوتر و اینترنت هستند. استفاده از ابزارهای الکترونیکی ارتباطی - مخابراتی موجب تغییر تصور افراد از خود می‌شود. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۳۸۴ و ممتاز، ۱۳۸۷: ۶۳-۶۲) بنابراین کاستلز معتقد است در جامعه شبکه‌ای استفاده از ابزارهای الکترونیکی و مصرف این کالاها (به‌مثابه سرمایه فرهنگی) بر هویت جمعی استفاده‌کنندگان آن تأثیرگذار است و هویت آنها را شکل می‌دهد.

در این‌راستا گیدنز نیز معتقد است که هویت مستلزم آگاهی بازتابی است و در واقع آن چیزی است که فرد به آن آگاهی دارد. هویت شخص چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد، بلکه چیزی است که فرد باید آن را به‌طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد محافظت و پشتیبانی قرار دهد. (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۱) بنابراین وی بر این باور است، هویت انسان در کنش متقابل با دیگران ایجاد می‌شود و در جریان زندگی پیوسته تغییر می‌کند و هیچ‌کس هویت ثابتی ندارد. هویت همواره در حال ایجاد و عوض شدن است. (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۵) همچنین به‌اعتقاد گیدنز، در عصر جهانی، به‌دلیل آنکه جهانی شدن باعث می‌شود تا به‌صورت بازتر و انعطاف‌پذیرتر زندگی کنیم و به جهان نگاه کنیم

(حسین‌زاده، ۱۳۸۸: ۵۷)، هویت‌های فرهنگی محلی امکان بروز بیشتری می‌یابند و تقریباً در همه ملت‌های جهان، هویت ملی نیز در حال تجدیدنظر و بازاندیشی است. (گیدنز، ۱۳۸۴: ۹۰) در واقع، وی معتقد است که در دوران جهانی‌شدن، شاهد تعامل و همنشینی هویت‌های جمعی محلی با هویت‌های جمعی کلان هستیم، بدون اینکه وجود یکی، دال بر ضدیت با وجود دیگری باشد. (قادرزاده و احمدپور، ۱۳۹۰: ۴۰) از دیدگاه گیدنز یکی از منابع هویتی در عصر جهانی‌شدن، آگاهی است که یکی از مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی به‌شمار می‌آید. بر این اساس با افزایش آگاهی به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی، افراد هویت خود را مورد بازاندیشی قرار داده و انعطاف‌پذیرتر و بازتر به جهان نگاه می‌کنند.

جنکینز^۱، نیز معتقد است که هویت حاصل دیالکتیک درونی و بیرونی شناسایی می‌باشد. به عبارت دیگر، هویت‌های اجتماعی فردی و جمعی به‌واسطه کنش متقابل دیالکتیکی درونی و بیرونی شکل می‌گیرند. (جنکینز، ۱۳۸۱) از نظر جنکینز هویت‌یابی فرایندی دیالکتیکی و دوسویه است و در تحلیل هویت ضرورت دارد تا در کنار عوامل اجتماعی سطح خرد، نقش رده‌بندی‌ها و گروه‌بندی‌های نهادی و تخصیص آمرانه هویت‌ها، افراد و چگونگی تفسیر، مواجهه و مقابله آنها با این رده‌بندی‌ها را نیز مورد توجه قرار داد؛ به‌ویژه مقاومت افراد در برابر رده‌بندی‌های کلیشه‌ای که غالباً مبتنی بر معیارهای انتسابی مانند جنسیت، سن، قومیت و طبقه اجتماعی است. از دیدگاه وی، با وجود تأثیر رده‌بندی‌های اجتماعی و قدرتی که این رده‌بندی‌ها در انقیاد عامل درونی شناسایی دارد، انسان‌ها در جهان مُدرن در برابر رده‌بندی‌ها مقاومت می‌کنند که این خود جلوه‌ای از خویشستن تأملی آنها است. از جمله می‌توان به مقاومت اقلیت‌های قومی و زنان در برابر رده‌بندی‌هایی اشاره نمود که نهادهای مسلط جامعه بر آنها اعمال می‌نماید. (جنکینز، ۲۰۰۰: ۹) در این‌راستا جنکینز بر این امر تأکید دارد که توان مقاومت و قابلیت بازاندیشی مردم به میزان برخوردار از سرمایه‌ها و منابع مادی و فرهنگی (از جمله سرمایه فرهنگی) وابسته است. (جنکینز، ۱۳۸۱: ۲۸۹)

تامپسون^۲ نیز بر این باور است با تحول جوامع مُدرن فرایند خودشکل‌پذیری بازتابی‌تر و بازتر می‌شود، بدین معنی که افراد برای ساختن هویتی منسجم برای خود، بیش از

1. Jenekins
2. Thampson

پیش به منابع شخصی خودشان باز می‌گردند. در عین حال، فرایند خودشکل‌پذیری به‌گونه‌ای فزاینده با مواد نمادین رسانه‌ای تغذیه شده و دامنه‌گزینش را برای افراد بسیار وسعت بخشیده است. تحول رسانه‌ها نه‌تنها فرایند خودشکل‌پذیری را پُر بار و دگرگون می‌کند، بلکه نوع جدیدی از نزدیکی و صمیمیت را که غیرمتقابل بوده به‌وجود می‌آورد. تامپسون خویشتن را طرحی نمادین می‌داند که فرد آن را از مواد نمادینی که در اختیارش قرار دارد، می‌سازد. این روایتی است که برای بیشتر مردم، همین که به مواد نمادین جدید روی می‌آورند، با تجربیات جدید مواجه می‌شوند و به تدریج هویت خویش را در مسیر تغییرات زندگی بازتعریف می‌کنند، تغییر خواهد کرد. اینکه به خودمان یا دیگران بگوییم چه کسی هستیم، مثل این می‌ماند که روایت‌هایی را بازگو کنیم که همواره در فرایند بازگویی تعدیل می‌شوند؛ روایت‌هایی از چگونگی رسیدن ما به جایی که هستیم و جایی که از این پس می‌خواهیم برویم. (تامپسون، ۱۳۸۰: ۲۶۰-۲۵۳) بنابراین افراد برای ساختن هویت خود از منابع شخصی و ابزارهای فرهنگی مانند رسانه‌ها (به‌مثابه بُعد عینیت‌یافته سرمایه فرهنگی)، بهره می‌گیرند و به میانجی سرمایه‌های فرهنگی هویت خود را بر می‌سازند.

بوردیو^۱، نیز جامعه را فضایی اجتماعی می‌داند که هر کس بر حسب میزان سرمایه کلی (مجموع دو نوع سرمایه اقتصادی و فرهنگی) و براساس ساختار سرمایه (بر حسب وزن نسبی انواع مختلف سرمایه اقتصادی و فرهنگی که در مجموع کل دارایی دارد)، در آن پایگاه اجتماعی پیدا می‌کند و در جوار کسانی جای می‌گیرد که از لحاظ سرمایه کلی با او مشابه‌اند. افراد دارای پایگاه مشابه و تعاملات مشترک از عادت‌واره^۲ و الگوی کنشی نسبتاً همسو و هماهنگی برخوردارند. عادت‌واره، ماتریس ادراکات و ارزیابی است و مشخص‌کننده و سازمان‌دهنده جهان بینی افراد و نحوه عمل آنها در جهان اجتماعی است و مبین خصلت و رفتاری است که در ذیل نوعی فضا و میدان اجتماعی معنا پیدا می‌کند. (بوردیو، ۱۹۸۶: ۴۸۶) بوردیو، در خلال بحث از عادت‌واره و تفکیک آن به عادت‌واره فردی و طبقه‌ای، موضوع هویت‌های فردی و جمعی را نیز مورد توجه قرار داده است: عادت‌واره فردی، از فردیت ارگانیک و ادراکات بلافصل شخص و هویت فردی جدایی‌ناپذیر است و عادت‌واره طبقه‌ای که از موقعیت اجتماعی - اقتصادی و جایگاه

1. Bourdieu
2. Habitus

عاملان اجتماعی در ساختارها و میدان‌های تعاملاتی نشئت می‌گیرد، هویت‌های جمعی مشترک را پدید می‌آورد. عادت‌واره طبقه‌ای، در سبک زندگی افراد متعلق به گروه‌ها و طبقات مختلف به‌گونه‌ای نمود می‌یابد که از ذائقه غذایی تا سلايق زیبایی‌شناختی و نگرش‌های سیاسی آنان را جهت می‌بخشد. (بوردیو، ۱۹۸۶: ۴۸۶) بنابراین، از دیدگاه بوردیو میزان برخورداری افراد از اشکال سرمایه از جمله سرمایه فرهنگی، عامل تعیین‌کننده و شکل‌دهنده هویت‌های جمعی آنهاست.

جدول ۱: کلیت دیدگاه‌های نظری و شاخص‌های آن

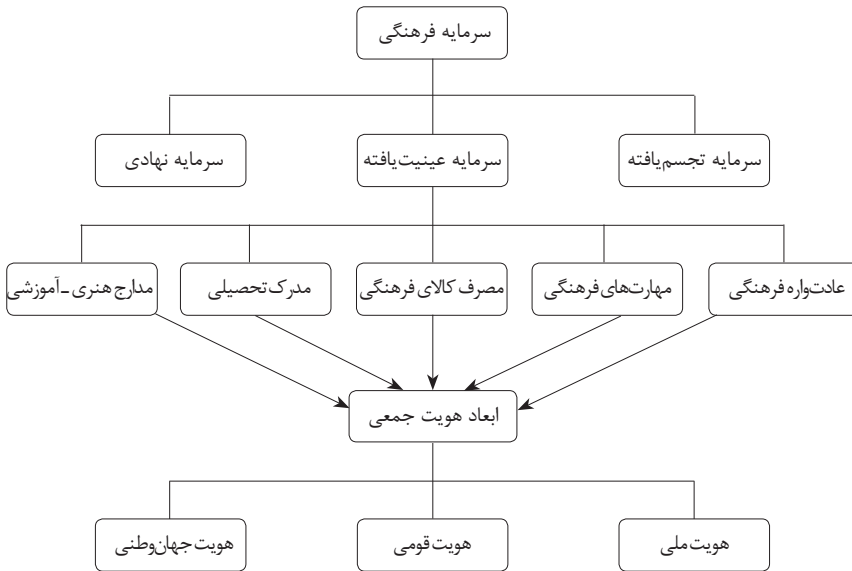
نظریه پرداز	دیدگاه نظری	شاخص‌ها و مؤلفه‌های اساسی
مید	«خود» یک امر تکوینی است و در جریان تعاملات و مناسبات اجتماعی با دیگران شکل می‌گیرد.	تعاملات اجتماعی
برگر و لاکمن	هویت حاصل دیالکتیک واقعیت ذهنی و عینی است که در برابر ساختارهای اجتماعی معین واکنش نشان داده و موجب حفظ، تغییر یا شکل‌گیری مجدد ساختارهای اجتماعی می‌شود.	برساخت هویت
بوردیو	«عادت‌واره طبقه‌ای» که از جایگاه عاملان اجتماعی و میزان برخورداری آنها از سرمایه از جمله سرمایه فرهنگی، در میدان‌های اجتماعی نشئت می‌گیرد، هویت‌های جمعی مشترک را پدید می‌آورد.	عادت‌واره و سرمایه فرهنگی
گیدنز	با افزایش آگاهی به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی، افراد هویت خود را مورد بازاندیشی قرار داده و بازتر به جهان نگاه می‌کنند. بنابراین هویت در جریان زندگی پیوسته تغییر می‌کند و هیچ کس هویت ثابتی ندارد.	آگاهی و بازاندیشی
کاستلز	در جامعه شبکه‌ای استفاده از ابزارهای الکترونیکی و مصرف این کالاها (به‌مثابه سرمایه فرهنگی) بر هویت جمعی استفاده‌کنندگان آن تأثیرگذار است و هویت آنها را شکل می‌دهد.	مصرف کالاهای الکترونیکی - فرهنگی
تامپسون	خویش‌تن طرحی نمادین است که فرد آن را از مواد نمادینی (منابع شخصی و ابزارهای فرهنگی مانند رسانه‌ها که یکی از ابعاد سرمایه فرهنگی است)، که در اختیارش قرار دارد، می‌سازد.	مواد نمادین (ابزارهای فرهنگی)
جنکینز	هویت‌های اجتماعی فردی و جمعی به‌واسطه کنش متقابل دیالکتیکی درونی و بیرونی شکل می‌گیرند. در این دیالکتیک توان مقاومت و قابلیت بازاندیشی مردم به میزان برخورداری از سرمایه‌ها و منابع مادی و فرهنگی (از جمله سرمایه فرهنگی) وابسته است.	سرمایه‌های مادی - فرهنگی

چارچوب نظری پژوهش

پژوهش حاضر با رجوع به دیدگاه‌های تلفیقی، به دنبال واکاوی هویت جمعی دانشجویان به میانجی‌گری متغیر سرمایه فرهنگی است. در چارچوب دیدگاه تلفیقی، صورت‌بندی و تطور سطوح و ابعاد «هویت جمعی»، در فرایند دیالکتیکی «خود» و «جامعه» صورت می‌گیرد. مرزبندی‌های هویتی ماهیتی ایستا ندارد، بلکه انعطاف‌پذیر و سیال بوده و متأثر از اشکال سرمایه، مرزهای هویتی قبض و بسط می‌یابد. هویت جمعی در دنیای معاصر ماهیتی متکثر، چند بعدی، تلفیقی و پیوندی دارد؛ فرد همزمان می‌تواند هویت‌های عدیده‌ای داشته باشد و وجود آنها در کنار یکدیگر به منزله نفی و نقض دیگری نیست؛ این هویت‌ها در تعامل با یکدیگر قرار دارند و بسته به شرایط و موقعیت‌های اجتماعی مختلف، سطحی از هویت جمعی شکل غالب به خود گرفته و فرد براساس آن خود را به دیگران معرفی نموده و در قبال آن احساس تعهد و تعلق می‌کند و این مسئله به معنی نفی و نادیده انگاشتن دیگر هویت‌های جمعی فرد نیست. عام‌تر شدن هویت‌های جمعی به معنی زوال و از بین رفتن هویت‌های سطح خرد نیست، بلکه هویت‌های سطح خرد همچنان به هستی خود ادامه می‌دهند؛ منتهی غلظت، اهمیت و برجستگی خود را به نفع هویت‌های جمعی عام مبتنی بر تفاوت‌پذیری‌های توأم با وابستگی متقابل یا روابط بین گروهی از دست خواهند داد. (تایلور و اسپنسر^۱، ۲۰۰۴: ۴)

بر مبنای رویکردهای متأخر، در دنیای معاصر افراد جهت بساختن هویت جمعی، بیش از پیش به منابع شخصی رجوع می‌نمایند و با استفاده از منابع و مصالح در دسترس (نظیر اشکال سرمایه) هویت خود را مورد بازاندیشی قرار می‌دهند. استدلال اصلی پژوهش حاضر این است که دانشجویانی که با فقر و کمبود اشکال سرمایه به‌ویژه سرمایه فرهنگی مواجه‌اند، اغلب به دلیل انتخاب‌های محدود به درون مرزهای محدود و خاص‌گرا (مانند قومیت) عقب‌نشینی می‌نمایند. در این وضعیت، عادت‌واره یا جهان‌بینی، احساس و پنداشت افراد نسبت به اعیان اجتماعی و فرهنگی به دلیل فقر اشکال سرمایه (سرمایه فرهنگی) جنبه‌ای خاص‌گرایانه به خود گرفته و در سایه آن هویت‌های جمعی عام تضعیف می‌شود. علاوه بر این، توان مقاومت و بازاندیشی افراد در برابر رده‌بندهای اجتماعی و مقوله‌های هویتی مبتنی بر جنسیت و قومیت به میزان سرمایه‌ها و منابع مادی و فرهنگی در دسترس آنان وابسته است. (قادرزاده، ۱۳۹۰) آن دسته از دانشجویانی که از میزان سرمایه فرهنگی بالاتری

برخوردارند، به دلیل برخورداری از منابع معرفتی، مرزبندی‌های هویتی اولیه را درنور دیده و توان تعدیل و رهایی از خاص‌گرایی‌های فرهنگی و اجتماعی و وابستگی به قومیت به‌عنوان یک رده‌بندی اجتماعی را داشته و گرایش بیشتری به هویت‌های عام در سطوح ملی و فراملی پیدا می‌کنند.



۹۹

شکل ۱: مدل نظری رابطه سرمایه فرهنگی و ابعاد هویت جمعی

فرضیه‌های اصلی

۱. بین سرمایه فرهنگی دانشجویان دانشگاه کردستان و برجستگی هویت قومی آنها رابطه معنادار وجود دارد؛ هر چه میزان بهره‌مندی دانشجویان از سرمایه فرهنگی کمتر باشد، گرایش به هویت قومی بیشتر خواهد بود.
۲. بین سرمایه فرهنگی دانشجویان دانشگاه کردستان و برجستگی هویت ملی آنها رابطه معنادار وجود دارد؛ هر چه میزان بهره‌مندی دانشجویان از سرمایه فرهنگی بیشتر باشد، گرایش به هویت ملی بیشتر خواهد بود.
۳. بین سرمایه فرهنگی دانشجویان دانشگاه کردستان و برجستگی هویت جهان‌وطنی آنها رابطه معنادار وجود دارد؛ هر چه میزان بهره‌مندی دانشجویان از سرمایه فرهنگی

بیشتر باشد، گرایش به هویت جهان‌وطنی بیشتر خواهد بود.

فرضیه‌های فرعی

۱. بین دو جنس از نظر ابعاد هویت جمعی تفاوت معنادار وجود دارد.
۲. بین افراد مجرد و متأهل از نظر ابعاد هویت جمعی تفاوت معنادار وجود دارد.
۳. بین سن دانشجویان و ابعاد هویت جمعی رابطه معنادار وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش در چارچوب روش‌شناسی کمی و با استفاده از روش پیمایشی به‌انجام رسیده است. از نظر بُعد زمانی از نوع مقطعی، از نظر هدف از نوع کاربردی و از نظر سطح از نوع خرد می‌باشد و واحد تحلیل نیز فرد (دانشجویان) می‌باشد. در این پژوهش برای سنجش متغیرها از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است. برای تهیه پرسشنامه تحقیق شاخص‌های مربوط به هر کدام از متغیرهای تحقیق، با توجه به مبانی نظری و پژوهشی و تحقیقات قبلی استخراج و هر شاخص متناسب با سطح سنجش و با استفاده از طیف خاصی مورد سنجش قرار گرفته‌اند. سپس، پرسشنامه مخصوص پاسخگویان از طریق مراجعه پرسشگر به خود پاسخگویان تکمیل گردیده است. گویه‌ها براساس طیف جمع نمرات لیکرت طراحی شده‌اند و مقیاس نمره‌گذاری گویه‌ها بر مبنای یک تا پنج است. (خیلی زیاد = نمره ۵ و خیلی کم = نمره ۱) جمعیت آماری تحقیق نیز شامل دانشجویان دانشگاه کردستان در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ است که به‌صورت تقریبی ۱۱۰۰۰ نفرند.

جهت برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده گردید که ۳۲۵ نفر برآورد شد و برای انتخاب نمونه‌ها نیز روش نمونه‌گیری تلفیقی طبقه‌ای و تصادفی ساده به‌کار برده شد. بر همین اساس برای انتخاب نمونه، جمعیت بر حسب دانشکده‌ها سازمان داده شد. سپس با توجه به نسبت حجم جامعه بر حجم هر طبقه، حجم نمونه در هر طبقه مشخص گردید. در نهایت به‌صورت تصادفی افرادی به‌عنوان نمونه در هر طبقه انتخاب شدند. سپس اطلاعات گردآوری شده از گروه‌ها به تفکیک وارد نرم‌افزار آماری SPSS شده و بعد از انجام آزمون‌های آماری متعدد، نتایج به‌دست آمده مورد بررسی قرار گرفتند و با انجام این بررسی، نتایج اصلی پژوهش در راستای پاسخ به مسئله پژوهش به‌دست آمد. برای بالا بردن اعتبار پرسش‌نامه، ابتدا اعتبار صوری سؤالات با بهره‌گرفتن از نقطه

نظرات و مشاورت صاحب‌نظران مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر این، در تدوین سؤالات یا گویه‌های مقیاس‌های اصلی از سؤالات مشابهی که در پرسشنامه‌های فراگیر داخلی و خارجی مورد استفاده قرار گرفته بود، استفاده شد. در مرحله بعد، از آنجا که برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، نیاز به شاخص‌سازی بود، از روش اعتباریابی^۱ شاخص‌ها استفاده و از این طریق معرف‌های مناسب برای ساخت شاخص‌ها مورد استفاده قرار گرفت. برای سنجش اعتبار درونی شاخص‌ها از روش تحلیل گویه^۲، استفاده شد. در مرحله اول پیش‌آزمون، پرسشنامه اولیه در میان ۳۵ نفر دانشجو (۱۰ درصد از کل پاسخ‌گویان) توزیع شد و برای تحلیل پایایی مقیاس‌های پرسشنامه از ضریب پایایی یا آلفا استفاده شد. جدول ۲ نتایج تحلیل متغیرهای وابسته و مستقل را نشان می‌دهد.

۱۰۱

جدول ۲: نتایج تحلیل پایایی متغیرهای اصلی تحقیق

ردیف	نام متغیر	تعداد گویه	آزمون پایایی
۱	سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته	۶	۰/۷۲۲
۲	سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته	۶	۰/۷۴۱
۳	سرمایه فرهنگی نهادی	۶	۰/۷۱۱
۴	شاخص ترکیبی سرمایه فرهنگی	۱۸	۰/۷۳۹
۵	هویت قومی	۱۳	۰/۷۸۶
۶	هویت ملی	۱۳	۰/۸۱۹
۷	هویت جهان‌وطنی	۱۳	۰/۸۳۹

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

سرمایه فرهنگی: به دارایی‌های مجسم‌کننده و ذخیره‌کننده یا تأمین‌کننده ارزش‌های فرهنگی اطلاق می‌شود که از سه بُعد عینیت‌یافته، تجسیدی و نهادینه‌شده تشکیل یافته است. در واقع سرمایه فرهنگی نزد کسانی انباشته می‌شود که با طی مدارج تحصیلی، کسب موقعیت‌ها و مراتب علمی، برخوردار از گواهی و تصدیق هر چه بالاتر و کیفی‌تر علمی، قابلیت اظهارنظر، توصیف و ارزش‌گذاری معتبر درباره اعیان مختلف فرهنگی، اجتماعی و... را به‌دست می‌آورند. (بوردیو، ۱۹۸۶: ۱-۳)

1. Validation
2. Item Analysis

سرمایه فرهنگی تجسیدی یا ذهنی^۱، به مجموعه قابلیت‌ها، دانایی‌های ذهنی و مهارت‌های عملی و رفتاری اطلاق می‌شود که در شیوه سخن گفتن، باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های خاص فرد تجلی پیدا می‌کند. این قابلیت‌ها به مرور زمان در اثر تربیت و پرورش در وجود افراد درونی می‌گردد و به صورت تمایلات و رغبت‌های پایدار ذهنی و جسمی در افراد متبلور می‌شود. بعد تجسیدی سرمایه فرهنگی، شامل تمایلات و گرایش‌های افراد نسبت به موضوعات فرهنگی و اجتماعی، مهارت‌های شناختی و زبانی است. (بورديو، ۱۹۸۶: ۱۰-۵)

سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته^۲، سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته آشکارترین نوع سرمایه فرهنگی است که افراد جامعه می‌توانند از آن بهره‌مند گردند. این سرمایه هم به کالاهای فرهنگی و رسانه‌ای دلالت می‌کند که در واقع بخشی از مایملک و دارایی افراد هستند، مانند آثار هنری، تکنولوژی ماشینی و قوانین علمی که به صورت کتب، اسناد و اشیاء در تملک اختصاصی افراد و خانواده‌ها است و هم به توانایی عینیت‌یافته و نمودیافته فردی مانند آثار هنری، نوشتن و مانند آنها اشاره دارد. (رضایی و تشویق، ۱۳۹۲: ۱۳)

سرمایه فرهنگی نهادی‌شده^۳، نوعی سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته در قالب مدارک دانشگاهی و تحصیلی است که از طریق کسب عناوین تحصیلی که به صورت قانونی و نهادی تأیید شده است حاصل می‌گردد. از این‌رو، سرمایه فرهنگی نهادی شده، در قالب مدارک دانشگاهی به‌عنوان «سرمایه آموزشی یا دانشگاهی»^۴ تجلی پیدا می‌کند. (بورديو، ۱۹۸۶: ۲۳)

در مطالعه حاضر، متغیر سرمایه فرهنگی براساس مطالعات تجربی و منابع موجود (قادرزاده، ۱۳۸۸؛ سولیوان^۵، ۲۰۰۱؛ بورديو، ۱۹۸۶؛ پاسرون^۶، ۱۹۹۰ و نخایی و کورتیس^۷، ۱۹۹۸) به صورت عادت‌واره فرهنگی، مالکیت کالاهای فرهنگی، مهارت هنری - فرهنگی، مدرک تحصیلی، مدارک آموزشی و هنری در جدول ۳ شاخص‌سازی و عملیاتی شده است.

1. Embodied Cultural Capital
2. Objectified Cultural Capital
3. Institutionalized Cultural Capital
4. Educational / Academic Capital
5. Sullivan
6. Passeron
7. Nakgaie & Curtis

جدول ۳: ابعاد و شاخص‌های سرمایه فرهنگی^۱

تعداد گویه	گویه‌ها	ابعاد
۶	<p>- در کتابخانه منزل شما چند جلد کتاب وجود دارد؟</p> <p>- در کتابخانه منزل شما چند جلد دائره‌المعارف، فرهنگ لغت و کتاب‌های نایاب وجود دارد؟</p> <p>- در منزل شما چه تعداد صنایع دستی (فرش دست‌بافت، میناکاری، منبت‌کاری و غیره) و آثار هنری - فرهنگی با ارزش (تابلوهای هنری، عتیقه‌جات و غیره) وجود دارد؟</p> <p>- تا کنون چه تعداد مقاله در مجلات معتبر داخلی و خارجی به چاپ رسانده‌اید؟</p> <p>- تا کنون چه تعداد کتاب (به تنهایی یا با همکاری دیگران) در زمینه آموزشی و غیر آموزشی، علمی، هنری و غیره تألیف یا ترجمه نموده‌اید؟</p> <p>- تا کنون چه تعداد ابتکارات، اختراعات و آثار در جشنواره‌های مختلف آموزشی، علمی و هنری داشته‌اید؟</p>	عینیت یافته
۶	<p>- تا کنون موفق به دریافت چه تعداد گواهی یا مدرک رایانه‌ای (مانند دوره‌های سخت‌افزاری، مهارت‌های هفت‌گانه ICDL، فتوشاپ و غیره) شده‌اید؟</p> <p>- تاکنون موفق به دریافت چه تعداد گواهی یا مدرک در زمینه زبان‌های خارجی شده‌اید؟</p> <p>- تا کنون موفق به دریافت چه تعداد گواهی یا مدرک هنری معتبر (نقاشی، خطاطی، تئاتر، موسیقی و غیره) شده‌اید؟</p> <p>- تا کنون موفق به دریافت چه تعداد گواهی یا مدرک ورزشی معتبر شده‌اید؟</p> <p>- تاکنون موفق به دریافت چه تعداد گواهی یا مدرک حضور در همایش‌ها و کارگاه آموزشی شده‌اید؟</p> <p>- مقطع تحصیلی: کاردانی، کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکتری</p>	نهادی
۶	<p>- تا چه اندازه از توانایی نقد و تحلیل موضوعات علمی - آموزشی برخوردارید؟</p> <p>- میزان مهارت شما در زمینه نقاشی و خطاطی چقدر است؟</p> <p>- میزان توانایی و تسلط شما در خواندن و فهم متون فارسی به ویژه شعر چقدر است؟</p> <p>- میزان مهارت شما در استفاده از رایانه و نرم‌افزارهای رایانه‌ای جهت انجام امور آموزشی چقدر است؟</p> <p>- آیا هنگام صحبت کردن از واژه‌های ادبی، تخصصی و واژه‌های انگلیسی رایج در فارسی استفاده می‌کنید؟</p> <p>- میزان توانایی و تسلط شما در امور ورزشی چقدر است؟</p>	تجسدی

۱۰۳

۱. شاخص سرمایه فرهنگی و ابعاد هویت جمعی پس از گردآوری داده‌ها ساخته شد. در این‌راستا، ابتدا ماتریس همبستگی دو به دوی همه متغیرها محاسبه و معرف‌هایی که دارای همبستگی متقابل معناداری بودند، برای ساخت شاخص انتخاب شد. محاسبه ماتریس همبستگی دو به دوی معرف‌های سرمایه فرهنگی و هویت جمعی نشان داد که ابعاد مزبور همبستگی معناداری با هم دارند؛ در نتیجه بر مبنای این معرف‌ها، با روش محاسبه آماری متغیرها (Compute Variable) شاخص سرمایه فرهنگی و هویت جمعی ساخته شد.

هویتِ جمعی و ابعاد آن: هویت، شناسه آن حوزه و قلمرویی از حیات اجتماعی است که فرد با ضمیر «ما» خود را متعلق، منتسب و مدیون بدان می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند. (عبداللهی، ۱۳۷۷: ۴) موضوع هویت جمعی در ادبیات نظری و تجربی از منظرهای مختلف مورد بازخوانی و واکاوی قرار گرفته است که با لحاظ نمودن دامنه اثرگذاری بر سطوح خُرد، میانه و کلان واقعیت اجتماعی، سه سطح قومی، ملی و جهان‌وطنی از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

هویت ملی: نوعی احساس تعلق به ملتی خاص است؛ ملتی که نمادها، سنت‌ها، مکان‌های مقدس، آداب و رسوم، قهرمانان، تاریخ، فرهنگ و سرزمین معینی دارد. (گیبرنو^۱، ۲۰۰۱: ۲۴۳) اسمیت^۲ (۲۰۰۰: ۱۸) هویت ملی را بازتولید و باز تفسیر پایدار ارزش‌ها، نمادها، خاطرات، افسانه‌ها و سنت‌ها می‌داند که عناصر تمایزبخش هر ملتی هستند. احساس تعلق به یک ملت از طریق همین مجموعه صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، افراد به واسطه اشتراک داشتن در این گونه نمادها و نشانه‌ها، با گروهی از انسان‌ها که ملت نام دارد پیوند می‌یابند و برچسب هویتی می‌خورند.

هویت جهانی یا جهان‌وطنی: با نفوذپذیر شدن فزاینده مرزهای اجتماعی و در هم‌تنیدگی جهانی، فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های گوناگون در فضای فراخ جهانی در تعامل با هم قرار گرفته‌اند که با عیان شدن مسائل مشترک جهانی و گسترش ارزش‌های جهان‌شمول نظیر حقوق بشر، نوعی آگاهی جهانی از وجود و ماهیت دنیاهای اجتماعی - فرهنگی دیگر به وجود آمده و با افزایش نسبیت باوری، زمینه‌ای جهانی برای تکوین و بسط فرهنگ‌ها و هویت‌ها در سطوح فرامحلی و فراملی و بسط هویت جهان‌وطنی و شهروندی جهانی فراهم شده است. (فیزستون^۳، ۱۹۹۰: ۶ و نش، ۱۳۸۰: ۲۹۳-۲۹۰) بر این اساس هویت جهان‌وطنی، به‌عنوان عام‌ترین هویت جمعی فراجامعه‌ای، هویت جمعی هم‌نوع است؛ یعنی هویتی که همه افراد انسانی را - صرف‌نظر از هر گونه رنگ قومی، ملی یا منطقه‌ای و فقط به‌عنوان انسان یا هم‌نوع - به هم مرتبط و در برابر هم مدیون و مکلف می‌سازد. (قادرزاده و احمدپور، ۱۳۹۰: ۴۸)

در این پژوهش با اذعان به ماهیت پیچیده، چندبعدی و کیفی هویت‌های جمعی و با تأسی از مطالعات تجربی (عبداللهی، ۱۳۷۷؛ فکوهی و پارسا‌پژوه، ۱۳۸۱؛ قادرزاده، ۱۳۸۸؛

1. Guibrenau
2. Smith
3. Featherstone

علیزاده اقدم و دیگران، ۱۳۸۹؛ حبی و دیگران، ۱۳۸۹؛ کارکنان و نیازی، ۱۳۸۶ و جونز^۱ و اسمیت، (۲۰۰۱)، ابعاد هویت جمعی در جدول ۴ عملیاتی شده است.

جدول ۴: ابعاد و شاخص‌های متغیر هویت جمعی

تعداد گویه	ابعاد	گویه ها	متغیر
۹	فرهنگی - اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> - به هنرهای قومی و بومی خود افتخار می‌کنم. - به مشاهیر فرهنگی متعلق به قوم خود افتخار می‌کنم. - من به موسیقی سنتی قوم خود علاقه‌مندم. - هنگامی که لباس محلی می‌پوشم احساس خوبی دارم. - دوست دارم همسری از قوم خود برگزینم - نام‌های محلی را به سایر نام‌ها ترجیح می‌دهم. - با آثار منظوم و منثور ادبی قوم خود و شاعران و نویسندگان آنها آشنا هستم. - غذاهای محلی را به غذاهای دیگر ترجیح می‌دهم. - من ترجیح می‌دهم با زبان محلی صحبت کنم. 	هویت قومی
۲	سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> - در انتخاباتی مثل مجلس، شوراهای و... باید نمایندگان قوم خود را انتخاب نمایم. - علاوه بر احزاب سیاسی ملی، باید احزاب محلی که به مطالبات قومی می‌پردازند، نیز شکل بگیرند. 	
۲	تاریخی	<ul style="list-style-type: none"> - من به اصیل بودن قوم خود اعتقاد دارم. - به اسطوره‌های متعلق به قوم خود افتخار می‌کنم. 	
۷	فرهنگی - اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> - به فولکلور و عناصر فرهنگی ملی خود افتخار می‌کنم. - مشاهیری چون مولوی، حافظ و... مایه افتخار ما هستند. - ترجیح می‌دهم با یک ایرانی ازدواج می‌کنم. - به موسیقی اصیل ایرانی علاقه‌مندم. - من غذاهای ایرانی را بیشتر می‌پسندم. - من به سنت‌ها و مراسم ملی ایران مثل عید نوروز، شب یلدا و... پایبندم. - برای حفظ زبان فارسی کلمات خارجی و بیگانه را نباید به کار برد. 	هویت ملی
۴	سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> - به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنم. - سایر اقوام را به‌عنوان هم‌وطن می‌پذیرم. - من به صاحبان قدرت اعتماد دارم. - من با دیدن پرچم ایران در مجامع بین‌المللی احساس سربلندی می‌کنم. 	
۲	تاریخی	<ul style="list-style-type: none"> - من به تمدن کشورم ایران افتخار می‌کنم. - من به اسطوره‌های ملی مثل رستم، سیاوش و... افتخار می‌کنم. 	

متغیر	ابعاد	گویه ها	تعداد گویه
هویت جهانی	فرهنگی	- اسطوره‌هایی مثل ایلپاد، ادیسه و... متعلق به همه جهان هستند و به آنها افتخار می‌کنم. - دیدن فیلم‌های خارجی را بر فیلم‌های ایرانی ترجیح می‌دهم. - به شخصیت‌های ادبی جهان مثل دانته، گوته، میلتن و... افتخار می‌کنم. - پوشیدن لباس‌های مارک‌دار خارجی را دوست دارم. - گوش دادن به موسیقی خارجی برای من دلنشین است. - ازدواج به سبک جهانی را می‌پسندم. - بیشتر مواقع غذاهای خارجی مثل لازانیا، پیتزا و... را به غذاهای ایرانی ترجیح می‌دهم. - به عقیده من میراث فرهنگی متعلق به همه مردم جهان است و باید حفظ شود. - به عقیده من باید امکانات عملی برای گسترش زبان بین‌المللی ایجاد شود.	۹
	تاریخی	- معتقد به داشتن منشأ و تاریخ مشترک با خارجی‌ها هستم.	۱
	سیاسی	- من خود را عضوی از جامعه جهانی می‌دانم. - در دنیای امروز، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای اداره امور ضرورت بیشتری دارند. - من به شخصیت‌های مبارز و آزادی‌خواه جهان مثل گاندی ماندلا افتخار می‌کنم.	۳

۱۰۶

یافته‌های پژوهش

الف. یافته‌های توصیفی

ویژگی‌های جمعیتی پاسخ‌گویان

در نمونه مورد بررسی به لحاظ جنسیت، ۴۲٪ مرد و ۵۸٪ زن و به لحاظ تأهل ۸۳٪ مجرد و ۱۷٪ متأهل هستند. از نظر تحصیلات نیز، ۶٪ دکتری، ۲۶٪ کارشناسی ارشد و ۶۸٪ کارشناسی می‌باشند. به لحاظ سن، دامنه سنی جمعیت نمونه بین ۱۸ تا ۳۲ سال قرار دارد که بیشترین افراد در گروه سنی ۱۹ تا ۲۳ سال قرار دارند و میانگین سنی پاسخگویان ۲۳ می‌باشد.

توصیف آماری ابعاد هویت جمعی و سرمایه فرهنگی دانشجویان

جدول ۵ میانگین ابعاد هویت جمعی دانشجویان و میزان بهره‌مندی از سرمایه فرهنگی را نشان می‌دهد. نتایج به دست آمده، نشان می‌دهد که میزان احساس تعلق، تعهد و وفاداری به نشانگان هویت ملی در ۴۰٪ از دانشجویان ضعیف، در ۳۶/۹٪ متوسط و در ۲۳/۱٪ قوی

بوده است. میانگین شاخص هویت ملی معادل ۴۷/۲۳٪ است که بر مبنای یک مقیاس صفر تا ۱۰۰ پایین تر از متوسط ارزیابی می شود. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب هویت قومی بیانگر آن است که در ۲۴٪ دانشجویان، احساس تعلق و وفاداری به نشانگان هویت قومی ضعیف، در ۲۱/۵٪ در حد متوسط و در ۵۴/۵٪ قوی می باشد. میانگین شاخص هویت قومی معادل ۶۴/۲٪ است که بر مبنای یک مقیاس صفر تا ۱۰۰ متوسط ارزیابی می شود. همچنین توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تعلق و وفاداری نسبت به هویت جهان وطنی نشان می دهد که هویت جهان وطنی در ۱۸/۵٪ از دانشجویان ضعیف، در ۲۳/۷٪ در حد متوسط و در ۵۷/۸٪ دانشجویان قوی بوده است. میانگین شاخص جهان وطنی معادل ۶۶/۲٪ است که در حد متوسط ارزیابی می شود. یافته های توصیفی بیانگر آن است که در ترجیحات هویتی دانشجویان، هویت جهانی با میانگین ۶۶/۲ در رتبه اول، هویت قومی با میانگین ۶۴/۲ در رتبه دوم و هویت ملی با میانگین ۴۷/۲۳ در رتبه سوم قرار دارد. همچنین در خصوص میزان بهره مندی دانشجویان از سرمایه فرهنگی، نتایج توصیفی بیانگر آن است که در ۱۵/۷٪ از دانشجویان سرمایه فرهنگی پایین، در ۳۶/۹٪ متوسط و در ۴۷/۴٪ دانشجویان بالا بوده است. میانگین شاخص سرمایه فرهنگی معادل ۵۳/۷٪ است که در حد متوسط ارزیابی می شود.

جدول ۵: توزیع فراوانی و درصد سرمایه فرهنگی و ابعاد هویت جمعی دانشجویان

متغیرها	گزینه ها	فراوانی	درصد
هویت ملی	ضعیف	۱۳۰	۴۰
	متوسط	۱۲۰	۳۶/۹
	قوی	۷۵	۲۳/۱
	جمع	۳۲۵	۱۰۰
شاخص مرکزی	میانگین	۴۷/۲۳	
هویت قومی	ضعیف	۷۸	۲۴
	متوسط	۷۰	۲۱/۵
	قوی	۱۷۷	۵۴/۵
	جمع	۳۲۵	۱۰۰
شاخص مرکزی	میانگین	۶۴/۲	
هویت جهان وطنی	ضعیف	۶۰	۱۸/۵
	متوسط	۷۷	۲۳/۷
	قوی	۱۸۸	۵۷/۸
	جمع	۳۲۵	۱۰۰
شاخص مرکزی	میانگین	۶۶/۲	

متغیرها	گزینه‌ها	فراوانی	درصد
شاخص سرمایه فرهنگی	پایین	۵۱	۱۵/۷
	متوسط	۱۲۰	۳۶/۹
	زیاد	۱۵۴	۴۷/۴
	جمع	۳۲۵	۱۰۰
شاخص مرکزی	میانگین		۵۳/۷

ب. یافته‌های استنباطی

آزمون رابطه ابعاد هویت جمعی بر حسب سرمایه فرهنگی

در این بخش فرضیه‌های اصلی که در مورد رابطه متغیر مستقل «سرمایه فرهنگی» با متغیر وابسته «ابعاد هویت جمعی» است، مورد بررسی و آزمون قرار داده شده‌اند. از آنجا که هر کدام از متغیرهای فوق از جمع‌بندی پاسخ به سؤالات دارای طیف لیکرت ساخته شده است. لذا این متغیرها را می‌توان دارای مقیاس اندازه‌گیری فاصله‌ای دانست. (ساعی، ۱۳۸۷: ۸۸) بنابراین برای ارزیابی رابطه‌ها آنها می‌توانیم از ضریب همبستگی پیرسون استفاده نماییم.

بر اساس نتایج تحلیل‌های دومتغیری که خلاصه‌ای از برخی موارد آن در جدول ۶ آمده است می‌توان گفت هویت جمعی دانشجویان در ابعاد قومی، ملی و جهان‌وطنی با میزان بهره‌مندی دانشجویان از سرمایه فرهنگی رابطه معناداری دارد. اولین فرضیه پژوهش در مورد وجود رابطه بین سرمایه فرهنگی و هویت قومی دانشجویان است. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین این دو متغیر حاکی از آن است که میزان همبستگی متغیر مستقل سرمایه فرهنگی با میزان هویت قومی برابر با ۰/۴۸- می‌باشد. این نتیجه بیانگر وجود همبستگی منفی (غیرمستقیم) بین این دو متغیر می‌باشد. به عبارت دیگر، با افزایش میزان بهره‌مندی سرمایه فرهنگی دانشجویان از برجستگی هویت قومی نزد دانشجویان کاسته می‌شود. البته گفتنی است که میزان همبستگی بین این دو متغیر در سطح متوسط است. دومین فرضیه پژوهش در مورد وجود رابطه بین سرمایه فرهنگی و هویت ملی دانشجویان است. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین این دو متغیر حاکی از آن است که میزان همبستگی متغیر مستقل سرمایه فرهنگی با میزان هویت ملی برابر با ۰/۲۱- می‌باشد. این نتیجه بیانگر وجود همبستگی مثبت (مستقیم) بین این دو متغیر است. به عبارت دیگر، نتایج آزمون حاکی از آن است که با افزایش سرمایه فرهنگی دانشجویان

با ۴۷/۱۹ است. در نهایت میانگین نمره هویت جهانی دانشجویان پسر برابر با ۶۶/۷۸ و میانگین نمره هویت جهانی دانشجویان دختر برابر با ۶۶/۳۶ است. این نتایج بیانگر آن است که در نمونه آماری میانگین دانشجویان دختر و پسر در متغیرهای هویت قومی، ملی و جهانی تفاوت چندانی با یکدیگر ندارد، همچنین سطح معناداری این آزمون‌ها نیز، بیانگر آن است که این نتایج معنادار نیست. بنابراین تفاوت معناداری بین ابعاد هویت جمعی و جنسیت پاسخ‌گویان وجود ندارد و نمی‌توان آن را به جامعه آماری تعمیم داد. در نتیجه این فرضیه تأیید نمی‌گردد.

جدول ۷: آزمون مقایسه میانگین ابعاد هویت جمعی بر حسب جنسیت

متغیر	مقوله	میانگین	آماره تی	درجه آزادی	سطح معناداری
هویت قومی	دختر	۶۴/۱۴	۱/۲۹	۲۷۹/۱	۰/۲۳۵
	پسر	۶۴/۷۵			
هویت ملی	دختر	۴۷/۱۹	۱/۶۸	۲۶۹/۴	۰/۳۱۶
	پسر	۴۷/۸۷			
هویت جهانی	دختر	۶۶/۳۶	۱/۷۱	۲۷۷/۸	۰/۰۸۹
	پسر	۶۶/۷۸			

۱۱۰

آزمون مقایسه میانگین ابعاد هویت جمعی بر حسب وضعیت تأهل

میانگین نمره هویت قومی دانشجویان مجرد برابر با ۶۴/۳۷ و میانگین نمره هویت قومی دانشجویان متأهل برابر با ۶۴/۸۴ است. همچنین میانگین نمره هویت ملی دانشجویان مجرد برابر با ۴۶/۸۸ و میانگین نمره هویت ملی دانشجویان متأهل برابر با ۴۸/۱۱ است. در نهایت میانگین نمره هویت جهانی دانشجویان مجرد برابر با ۶۷/۱۸ و میانگین نمره هویت جهانی دانشجویان متأهل برابر با ۶۶/۹۲ است. این نتایج بیانگر آن است که در نمونه آماری میانگین دانشجویان مجرد و متأهل در متغیرهای هویت قومی، ملی و جهانی تفاوت چندانی با یکدیگر ندارد، همچنین سطح معناداری این آزمون‌ها نیز، بیانگر آن است که این نتایج معنادار نیست. بنابراین تفاوت معناداری بین ابعاد هویت جمعی و وضعیت تأهل پاسخ‌گویان وجود ندارد و نمی‌توان آن را به جامعه آماری تعمیم داد. در نتیجه این فرضیه تأیید نمی‌گردد.

جدول ۸: آزمون مقایسه میانگین ابعاد هویت جمعی بر حسب تأهل

متغیر	مقوله	میانگین	آماره تی	درجه آزادی	سطح معناداری
هویت قومی	مجرد	۶۴/۳۷	۱/۸۴	۳۱۵/۱	۰/۰۷۹
	متأهل	۶۸/۸۴			
هویت ملی	مجرد	۴۶/۸۸	۲/۱۶۹	۳۰۵/۹	۰/۰۸۳
	متأهل	۴۸/۱۱			
هویت جهانی	مجرد	۶۷/۱۸	۱/۷۵۳	۳۰۴/۳	۰/۱۴۹
	متأهل	۶۶/۹۲			

آزمون رابطه ابعاد هویت جمعی بر حسب سن

نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر سن و ابعاد هویت جمعی حاکی از آن است که میزان همبستگی سن با هویت قومی، ملی و جهانی به ترتیب برابر با ۰/۰۷، ۰/۰۱۴، و ۰/۱۷ می‌باشد. این نتیجه بیانگر وجود همبستگی مثبت (مستقیم) بسیار ضعیف بین این دو متغیر می‌باشد. نتایج سطح معناداری این آزمون‌ها نیز، بیانگر آن است که سطح معناداری آنها (به ترتیب ۰/۱۵۷، ۰/۲۶۳ و ۰/۰۷۹) بیشتر از ۰/۰۵ بوده که بیانگر معنادار نبودن نتایج مذکور است. بنابراین رابطه معناداری بین سطح سنی و ابعاد هویت جمعی پاسخ‌گویان وجود ندارد. در نتیجه این فرضیه تأیید نمی‌گردد.

جدول ۹: نتایج ضریب همبستگی سن و ابعاد هویت جمعی دانشجویان

نتیجه ارزیابی	ضریب همبستگی پیرسون		متغیرها	
	سطح معناداری	مقدار	وابسته	مستقل
عدم تأیید رابطه	۰/۱۵۷	۰/۰۷	هویت قومی	سن
عدم تأیید رابطه	۰/۲۶۳	۰/۰۱۴	هویت ملی	
عدم تأیید رابطه	۰/۰۷۹	۰/۱۷	هویت جهانی	

تحلیل رگرسیونی

در این پژوهش برای یافتن مدل و الگوی مناسبی که بر مبنای آن بتوان با توجه به مقادیر متغیرهای مستقل اقدام به پیشگویی متغیر وابسته نمود، از تحلیل رگرسیونی استفاده شده است، زیرا دقت و توانایی اندازه‌گیری این روش بسیار بالا است و استفاده از این تکنیک در

مقام داوری میزان عینیت را افزایش می‌دهد. (غیاثوند، ۱۳۸۷: ۱۵۳) نتایج ضرایب مدل رگرسیونی بیانگر آن است که میزان اثرگذاری متغیر سرمایه فرهنگی بر هویت قومی برابر با ۰/۲۳ است و مقدار استاندارد تأثیرگذاری آن بر متغیر وابسته (ضریب بتا) برابر با ۰/۲۲۹ می‌باشد و سطح معناداری آن نیز برابر با ۰/۰۰۱ می‌باشد که بیانگر معنادار بودن آن است. چنین نتیجه‌ای حاکی از آن است که حدود ۲۳٪ از تغییرات هویت قومی دانشجویان به میانجی متغیر سرمایه فرهنگی قابل تبیین است. نتایج ضرایب مدل رگرسیونی در مورد هویت ملی بیانگر آن است که میزان اثرگذاری متغیر سرمایه فرهنگی بر هویت ملی برابر با ۰/۱۴۴ است و مقدار استاندارد تأثیرگذاری آن بر متغیر وابسته (ضریب بتا) برابر با ۰/۱۴۱ می‌باشد و سطح معناداری آن نیز برابر با ۰/۰۰۲ می‌باشد که بیانگر معنادار بودن آن است. چنین نتیجه‌ای بیانگر آن است که با افزایش هر واحد سرمایه فرهنگی میزان هویت ملی افراد به اندازه ۰/۱۴ افزایش می‌یابد. پس می‌توان گفت با افزایش هر واحد سرمایه فرهنگی، ۱۴٪ بر میزان هویت ملی افزوده می‌گردد. به عبارت دیگر، این نتیجه حاکی از آن است که متغیر سرمایه فرهنگی بدون کنترل کردن سایر متغیرها، حدود ۱۴ درصد از تغییرات متغیر هویت ملی را تبیین می‌کند. نتایج ضرایب مدل رگرسیونی درباره هویت جهان‌وطنی بیانگر آن است که میزان اثرگذاری متغیر سرمایه فرهنگی بر هویت جهانی برابر با ۰/۳۲۴ است و مقدار استاندارد تأثیرگذاری آن بر متغیر وابسته (ضریب بتا) برابر با ۰/۳۲۳ می‌باشد و سطح معناداری آن نیز برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد که بیانگر معنادار بودن آن است. چنین نتیجه‌ای بیانگر آن است که با افزایش هر واحد سرمایه فرهنگی میزان هویت جهان‌وطنی افراد به اندازه ۰/۳۲ افزایش می‌یابد. پس می‌توان گفت با افزایش هر واحد سرمایه فرهنگی، ۳۲٪ بر میزان هویت جهان‌وطنی افزوده می‌گردد. چنین نتیجه‌ای حاکی از آن است که متغیر سرمایه فرهنگی حدود ۳۲٪ از تغییرات متغیر هویت جهان‌وطنی را تبیین می‌کند.

جدول ۱۰: نتایج رگرسیون ساده سرمایه فرهنگی و ابعاد هویت جمعی دانشجویان

نتایج آزمون		متغیرها		سطح معناداری	ضریب تعیین (R ^۲) استاندارد شده
ضریب تعیین (R ^۲)	ضریب تعیین (R ^۲)	وابسته	مستقل		
۰/۲۳	۰/۲۲۹	هویت قومی	۰/۰۰۱	سرمایه فرهنگی	
۰/۱۴۴	۰/۱۴۱	هویت ملی	۰/۰۰۲		
۰/۳۲۴	۰/۳۲۳	هویت جهانی	۰/۰۰۰		

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر جهت تحلیل روابط بین سرمایه فرهنگی و ابعاد هویت جمعی چارچوب نظری تحقیق مبتنی بر دیدگاه‌های نظری تلفیقی (نظیر بوردیو، جنکینز، تامپسون و گیدنز) و منابع تجربی مرتبط با آن تنظیم گردید و بر مبنای آن فرضیه‌های اصلی تحقیق تدوین و مورد آزمون قرار گرفتند. بر مبنای نتایج توصیفی، دانشجویان نوعی احساس تعلق، وفاداری و تعهد نسبت به نشانگان هویت قومی، ملی و جهان‌وطنی دارند و هویت‌های مذکور ابعاد سه‌گانه هویت جمعی دانشجویان را تشکیل می‌دهند؛ با این وصف در میان دانشجویان به دلیل زمینه‌های قومی و اجتماعی احساس تعلق بیشتری نسبت به هویت قومی دیده می‌شود و در میان هویت‌های عام‌گرا حس تعلق بیشتری نسبت به هویت جهان‌وطنی در مقایسه با هویت ملی دیده می‌شود. این نتیجه مؤید این نظریه گیدنز است که در عصر جهانی، هویت ملی تقریباً در همه ملت‌های جهان، در حال تجدیدنظر و بازاندیشی است و شاهد تعامل و هم‌نشینی هویت‌های جمعی محلی با هویت‌های جمعی کلان هستیم، بدون اینکه وجود یکی، دال بر ضدیت با وجود دیگری باشد. (توسلی، ۱۳۸۶: ۱۶) به‌لحاظ تجربی نتایج این تحقیق مؤید نتایج تحقیق عبداللهی (۱۳۷۷) است که حاکی از آن است هویت جمعی در ایران، به‌ویژه از جنبه تکاملی آن از سطوح پایین‌تر به سطوح بالاتر دچار ضعف جدی است. این بدین معناست که هویت جمعی عام در ایران جان‌نفتاده است؛ به‌طوری که در جوامع روستایی و عشایری و در جامعه شهری، از محلی به جهانی گرایش دارد و هویت ملی به‌نفع هویت‌های محلی و فراملی تضعیف گردیده است.

نتایج آزمون فرضیه‌های اصلی تحقیق نیز نشان‌دهنده آن است که بین سرمایه فرهنگی و ابعاد هویت جمعی رابطه معنادار وجود دارد، اما شدت و نوع این رابطه در بین ابعاد هویت جمعی متفاوت است. به‌عبارت دیگر، سرمایه فرهنگی و بهره‌مندی از آن تأثیر دوگانه‌ای بر ابعاد هویت جمعی دانشجویان دارد. به‌طوری که سرمایه فرهنگی با هویت جهان‌وطنی و ملی رابطه مثبت و معناداری دارد و با افزایش سرمایه فرهنگی در بین دانشجویان میزان هویت جهانی و ملی آنها نیز افزایش می‌یابد، این بدان معناست که با افزایش سطح بهره‌مندی دانشجویان از سرمایه فرهنگی به‌دلیل برخورداری از منابع معرفتی و شناختی این شکل از سرمایه، دانشجویان از سطح تفکر عمیق‌تر و عام‌تری برخوردار گردیده و گرایش به هویت‌های جمعی ملی و جهان‌وطنی در آنها تقویت شده

است. درباره رابطه سرمایه فرهنگی و هویت قومی، نتایج آزمون این دو متغیر متفاوت از دو بُعد دیگر است. نتایج این آزمون بیانگر آن است که بین این دو متغیر رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد و شدت رابطه نیز در سطح متوسط می‌باشد. این نتیجه حاکی از آن است که با بالا رفتن بهره‌مندی دانشجویان از سرمایه فرهنگی، تعلقات هویت قومی آنها مورد جرح و تعدیل قرار می‌گیرد. این بدان معناست که با افزایش سطح برخورداری دانشجویان از سرمایه فرهنگی به دلیل بهره‌مندی از منابع معرفتی و شناختی این شکل از سرمایه، توانایی بازناندیشی در مرزبندی‌های هویتی و وابستگی خاص‌گرایی‌های فرهنگی و اجتماعی در دانشجویان افزایش می‌یابد و از این طریق وابستگی به هویت قومی و قومیت در آنها تعدیل و کاهش می‌یابد. (قادرزاده، ۱۳۹۰) نتایج رگرسیونی نیز نشان‌دهنده آن است که در میان دانشجویان، سرمایه فرهنگی بیشترین قدرت پیش‌بینی را با هویت جهانی وطنی دارد. سپس در رتبه‌های بعدی هویت قومی و هویت ملی قرار دارد.

نتایج تحقیق حاضر نیز به لحاظ نظری بیانگر آن است که دانشجویانی که از میزان سرمایه فرهنگی پایینی برخوردارند، گرایش آنها به هویت‌های جمعی عام، کمتر است و بیشتر متمایل به هویت‌های قومی هستند و به دلیل فقدان منابع معرفتی توانایی رهایی از خاص‌گرایی‌های فرهنگی و اجتماعی و وابستگی به قومیت به عنوان یک رده‌بندی اجتماعی را نخواهد داشت و مرزبندی‌های هویتی آنان در هویت‌های اولیه قومی محصور خواهند ماند. بالعکس آن دسته از دانشجویان که از میزان سرمایه فرهنگی بیشتری برخوردارند، به دلیل برخورداری از منابع معرفتی سرمایه فرهنگی، گرایش بیشتری به هویت‌های عام‌تر از جمله هویت ملی و جهانی دارند. به لحاظ تجربی نیز نتایج پژوهش حاضر از آن جنبه که حاکی از آن است که بین سرمایه فرهنگی و ابعاد هویت جمعی رابطه معناداری وجود دارد، مؤید نتایج پژوهش‌های ابراهیمی و بهنویی (۱۳۸۹)، شارع‌پور و خوش‌فر (۱۳۸۱) و نیازی و کارکنان (۱۳۸۶) می‌باشد که بیانگر آن است با افزایش سرمایه فرهنگی افراد، هویت جمعی آنها تغییر می‌یابد.

بنابراین نتایج تحقیق بیانگر وجود رابطه معنادار میان سرمایه فرهنگی و ابعاد هویت جمعی است. به عبارت دیگر، نتایج تحقیق حاکی از آن است که بهره‌مندی از امکانات و منابع فرهنگی، دانش و شناخت عمیق‌تر و مصرف کالاهای فرهنگی (به‌مثابه مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی) نقش مهمی در گسترش و بسط احساس تعلق دانشجویان به گروه‌ها یا «ما»های بزرگ‌تر نظیر اجتماعات فراقومی و اجتماعات جامعه‌ای (ملی) و جهانی دارد.

این نتیجه به لحاظ نظری مؤید نظریه تامپسون می باشد که بر خویشتن به مثابه طرحی نمادین که افراد آن را از منابع شخصی و ابزارهای فرهنگی مانند رسانه ها (به مثابه بُعد عینیت یافته سرمایه فرهنگی است) می سازند، تأکید دارد. همچنین مؤید نظریه بوردیو است که بر این امر دلالت دارد که هویت افراد از جایگاه عوامل اجتماعی و میزان برخورداری آنها از حجم و ترکیب سرمایه (از جمله سرمایه فرهنگی) در میدان های اجتماعی نشئت می گیرد و مؤید رویکرد نظری ریچارد جنکینز است. بر مبنای این رویکرد، توان بازاندیشی افراد در برابر رده بندی های اجتماعی که غالباً مبتنی بر معیارهای انتسابی مانند جنسیت، سن، قومیت و طبقه اجتماعی است، به میزان برخورداری از سرمایه ها و منابع مادی و فرهنگی وابسته است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۲۸۹) و در نهایت مؤید نظریه گیدنز است. به زعم وی، هویت در جریان زندگی پیوسته تغییر می کند و ماهیت ثابتی ندارد و آنچه موجبات بازاندیشی هویتی را فراهم می آورد، افزایش آگاهی به مثابه یکی از مؤلفه های سرمایه فرهنگی است. به طور کلی نتایج این تحقیق از آن جنبه که نشان می دهد در جامعه امروزی ایران، سرمایه فرهنگی یکی از منابع هویتی است و به مثابه یک مکانیسم در بر ساخت هویت جمعی نقش دارد، مؤید نظریه های تامپسون، بوردیو، گیدنز و جنکینز است.

همان طور که گفته شد یافته های توصیفی بیانگر آن است که در سلسله مراتب ترجیحات هویتی دانشجویان هویت جهان وطنی در رتبه اول، هویت قومی در رتبه دوم و هویت ملی در رتبه سوم قرار دارد. این نتیجه بیانگر و مؤید این موضوع است که به دلیل وجود تنوع قومی از یک سو و فرآیندها و پیامدهای جهانی شدن از سوی دیگر، هویت ملی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و هویت قومی و هویت جهانی از آن پیشی گرفته اند و در سلسله مراتب ترجیحات هویتی در جایگاه نازلی قرار دارد. با توجه به تأثیر فزاینده سرمایه فرهنگی بر هویت ملی و جهانی و اثر تعدیل کننده آن بر هویت قومی لازم است که حوزه معاونت فرهنگی وزات علوم تحقیقات و فناوری و دانشگاه ها در راستای بسط تعلقات جمعی دانشجویان، یکپارچگی ملت و دستیابی به مراحل عالی توسعه با تدوین برنامه های فرهنگی و اجتماعی مناسب از طریق فراهم نمودن شرایط و زمینه های افزایش سطح سرمایه فرهنگی دانشجویان، با تأکید بر فراهم نمودن زمینه های بهره مندی دانشجویان از امکانات و منابع فرهنگی، مصرف کالاهای فرهنگی و افزایش سطح دانش و شناخت عمیق در آنها سعی در تقویت هویت ملی و وفاق ملی و تعدیل

هویت قومی و جهانی نمایند.

همچنین بر مبنای یافته‌های پژوهش حاضر، میانگین بهره‌مندی دانشجویان از سرمایه فرهنگی در حد متوسط است. با نظر به سهم سرمایه فرهنگی و مؤلفه‌های آن در تکوین و تعدیل افق ذهنی و بینشی و جهت‌گیری‌های معرفتی و بازانديشی هویتی دانشجویان ضرورت دارد تا بهره‌مندی دانشجویان از سرمایه فرهنگی تقویت شود. در خصوص بُعد نهادینه سرمایه فرهنگی ضرورت دارد تا بخش‌های مختلف فعال در دانشگاه، نظیر معاونت فرهنگی و اجتماعی، جهاد دانشگاهی و بخش کارآفرینی دانشگاه، تمهیدات لازم را در جهت برگزاری دوره‌های مختلف و اعطای گواهینامه و مدارک مرتبط به دانشجویان مهیا نمایند. عضویت دانشجویان در کانون‌ها و تشکل‌های فعال در دانشگاه در ارتقای فهم و بینش دانشجویان مؤثر است و در این راستا مخاطب‌سنجی ضرورت دارد. «ناگفته پیدا است که در آموزش رسمی فعلی، آموزش سیاسی و مدنی لازم به افراد داده نمی‌شود. در چنین شرایطی، می‌توان با تجدیدنظر در محتوای نظام آموزشی، مطالب مرتبط با دانش و حقوق مدنی شهروندان را افزود و یا غنی کرد» (پناهی، ۱۳۸۶: ۲۵۲) و یا با بهینه‌سازی و فعال کردن فعالیت‌های فرهنگی و فوق برنامه در دانشگاه، به‌عنوان برنامه درسی پنهان، فهم و بینش و جهت‌گیری دانشجویان را معطوف منافع ملی نمود. در ضمن سرمایه فرهنگی بی‌ارتباط با وضعیت سرمایه اقتصادی نیست و میزان برخورداری و مصرف کالاهای فرهنگی از وضعیت اقتصادی دانشجویان تأثیر می‌پذیرد. با نظر به وضعیت معیشتی دانشجویان ضرورت دارد تا کالاها و منابع فرهنگی مرتبط در اختیار دانشجویان قرار گیرد و این مهم باید در سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد. با اذعان به این واقعیت که هویت جمعی ماهیت تعاملی دارد و یکی از شیوه‌های ساختاری بسط مرزبندی‌های هویتی و تقویت و تحکیم همبستگی اجتماعی، تمهید شرایط ادغام و بسط پیوندهای اجتماعی است، اگر از این منظر به شیوه جذب بومی‌گزینی نظام آموزش عالی فعلی نگریسته شود می‌توان گفت که «این شیوه در راستای تقویت ارتباطات بین قومی نیست و فاصله اجتماعی بین اعضای گروه‌های قومی را تضعیف نکرده و به تبع آن فرایند ادغام اجتماعی را تسهیل نمی‌نماید و به انباشت سرمایه اجتماعی و فرهنگی مدد نمی‌رساند. بنابراین، به نظر می‌رسد که بازانديشی در شیوه‌گزینی دانشجویان می‌تواند به ارتقای نقش همبستگی‌ساز آموزش عالی منجر شود. (کریمی، ۱۳۹۰: ۱۰۲)

منابع

۱. ابراهیمی، قربانعلی و عباس بهنویی گدنه. (۱۳۸۹). بررسی رابطه سرمایه فرهنگی، هویت اجتماعی فردی و جمعی جوانان. *مجله تخصصی جامعه‌شناسی*. سال اول. پیش شماره سوم.
۲. پناهی، محمدحسین. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۳. تامپسون، جان. (۱۳۸۰). *رسانه‌ها و مدرنیته*. مسعود اوحدی. تهران: سروش.
۴. جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱). *هویت اجتماعی*. تورج یاراحمدی. تهران: شیرازه.
۵. حبی، اکرم؛ اسکندر فتحی‌آذر و بهمن محمدبخش. (۱۳۸۹). جهانی شدن و هویت‌های محلی و جهانی دانشجویان. *فصلنامه پژوهش‌های فرهنگی*. شماره ۲. تابستان.
۶. حسین‌زاده، میکائیل. (۱۳۸۸). بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی در بین دانشجویان تبریز، *مطالعات ملی*. شماره ۱۰.
۷. دان، رابرت. (۱۳۸۵). *نقد اجتماعی پست مدرنیته: بحران‌های هویت*. صالح نجفی. تهران: نشر شیرازه.
۸. ربانی، علی و یاسر رستگار. (۱۳۹۲). تحلیلی بر وضعیت هویت ملی و ابعاد شش‌گانه آن در بین شهروندان شهر اصفهان. *جامعه‌شناسی کاربردی*. ۲۴(۲).
۹. رضایی، محمد و فاطمه تشویق. (۱۳۹۲). بازخوانی سنجه‌های سرمایه فرهنگی. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*. ۱۲(۱).
۱۰. ریتزر، جورج. (۱۳۸۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. محسن ثلاثی، تهران: نشر معاصر.
۱۱. ساعی، علی. (۱۳۸۷). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: سمت.
۱۲. شارع‌پور، محمود و غلامرضا خوش‌فر. (۱۳۸۱). رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان. *نامه علوم اجتماعی*. شماره ۲. پاییز و زمستان.
۱۳. صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله و صلاح‌الدین قادری. (۱۳۸۸). ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی هویت دانشجویان بر مبنای مؤلفه‌های سنتی و مدرن. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*. دوره دوم. شماره ۸.
۱۴. عبداللهی، محمد. (۱۳۷۷). بحران هویت، هویت جمعی، دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران. *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*. شماره اول.
۱۵. عبداللهی، محمد و برزو مروت. (۱۳۸۴). هویت جمعی غالب در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر سنندج. *فصلنامه علوم اجتماعی*. شماره ۳۲.
۱۶. عزیززاده‌اقدم، محمدباقر؛ محمد شیری و سجاد اوجاقلو. (۱۳۸۹). نقش آموزش در ارتقا شاخص‌های هویت ملی. *فصلنامه پژوهش‌های فرهنگی*. شماره ۹.
۱۷. فکوهی، ناصر و سپیده پارسا‌پژوه. (۱۳۸۱). بررسی مردم‌شناسانه شکل‌گیری هویت جمعی در میان دختران نوجوان ساکن اسلام‌آباد کرج. *نامه انسان‌شناسی*. دوره اول.

۱۸. قادرزاده، امید. (۱۳۸۸). **هویت جمعی غالب کردها در کشورهای ایران و عراق**. رساله دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۹. قادرزاده، امید. (۱۳۹۰). تأثیر اشکال مختلف سرمایه بر هویت جمعی زنان. **فصلنامه زن در توسعه و سیاست**. سال نهم. شماره ۳.
۲۰. قادرزاده، امید و مریم احمدپور. (۱۳۹۰). کاربری اینترنت و تأثیر آن بر هویت اجتماعی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه کردستان. **مطالعات جامعه‌شناختی**. ۱۸(۳۹).
۲۱. کارکنان، محمد و محسن نیازی. (۱۳۸۶). تبیین جامعه‌شناختی رابطه سرمایه فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان. **فصلنامه مطالعات ملی**. سال هشتم. شماره ۳.
۲۲. غیاثوند، احمد. (۱۳۸۷). کاربرد آمار و نرم‌افزار SPSS. تهران: نشر لویه.
۲۳. کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). **عصر اطلاعات؛ ظهور جامعه شبکه‌ای**. احد علیقلیان و افشین خاکباز. جلد اول. تهران: نشر طرح نو.
۲۴. کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۱). جامعه شبکه‌ای و هویت جدید؛ مصاحبه با مانوئل کاستلز. محمدرضا معینی. **مجلس و پژوهش**. شماره ۱۱.
۲۵. کریمی، علی. (۱۳۹۰). تأملی نظری درباره نسبت آموزش عالی و همبستگی اجتماعی؛ مرور اجمالی تجربه مالزی. **فصلنامه مطالعات ملی**. ویژه‌نامه. شماره ۱.
۲۶. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). **پیامدهای مدرنیت**. محسن ثلاثی. تهران: مرکز.
۲۷. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). **چشم‌اندازهای جهانی**. محمدرضا جلالی‌پور. تهران: طرح نو.
۲۸. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). **تجدد و تشخیص**. ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
۲۹. ممتاز، فریده. (۱۳۸۷). **جامعه‌شناسی شهر**. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳۰. نساج، حمید؛ راضیه مهرابی؛ محمدرضا رهبرقاضی و مهدیه پوررنجبر. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر هویت ملی. **فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران**. ۸(۱).
۳۱. نش، کیت. (۱۳۸۰). **جامعه‌شناسی معاصر: جهانی‌شدن، سیاست، قدرت**. محمدتقی دلفروز. تهران: کویر.
۳۲. نوابخش، مهرداد و احمدعلی مقتدرزاده. (۱۳۹۱). بررسی ابعاد هویتی سه‌گانه در بین جوانان و نقش آن در توسعه فرهنگی استان آذربایجان شرقی. **مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران**. ۵(۱).

33. Bourdieu, P. & G. Passeron. (1990). *Reproduction in Education Society and Culture*. Sage Publication.

34. Bourdieu, P. (1986). The Forms of Capital. In j. G. Richardson, *Handbook of Theory and Research for Sociology of Education*. Greenwood Press. New York.

35. Burkitt, I. (1991). *Social Seleves: Theories of the Social Formation of Personality*. London: Sage.

36. Cerulo, K. A. (1997). Identity Construction: New Issues, New Directions. *Annual Review*

- of *Sociology*. No. 23.
37. Criab, I. (1998). *Experiencing Identity*. London: Sage Publications.
38. Delanty, G. (2002). *Challenging Knowedg*. Open University Publication.
39. Featherstone, M. (1990). *Global Culture; Nationalism, Globalisation and Modernity*. London; Sage.
40. Guibernau, M. (2001). Globalisation and Nation-State In M. Guibernau. & J. Hutchinson. (Eds) *Understanding Nationalism*. Camberidg: Polity Press.
41. Herboken, V. (2004). Ethnic Communication. In *Social Identities*. G. Taylor. & S. Spencer. (Eds) 199- 218. London: Routledge.
42. Jenkins, R. (2000). Categorization: Identity, Social Process and Epistemology. *Current Sociology*. 48(3).
43. Jones, F. L. & P. Smith. (2001). Diversity and Commonality in National Identities: An Exploratory Analysis of Cross-National Patterns. *Journal of Sociology*. 37(1).
44. Kivisto, P. (2002). *Multiculturalism in a Gobal Society*. USA: Black Publishers Inc.
45. Nakhaie, R. & J. Curtis. (1998). Effects of Class Positions of Parents and Educational Attainment Daughters and Sons. *The Canadian Review of Sociology and Anthropology*. No. 4.
46. Smit, A. (2000). *Nationalism*. Comberidge: Polity.
47. Sullivan, A (2001). Cultural Capital and Educational Attainment. *Sociology*. 35 (3).
48. Taylor, G. & S. Spencer. (2004). *Social Identities*. London: Routledge.